



مسائل مستحدثه زکات

پدیدآورنده (ها) : حائری، سیدکاظم؛ تجلیل، ابوطالب؛ جعفری، محمد تقی؛ حیدری، محمدجواد

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: پاییز و زمستان ۱۳۷۶ - شماره ۱۱ و ۱۲ (ISC)

صفحات : از ۱۲۱ تا ۱۴۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/299364>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- کاوشی نوین در مسأله زکات اسکناس
- رابطه استضعاف و نجات از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری
- پژوهش رجالی؛ ارزش توثیقات رجالیون
- دراسات مقارنۃ فی فقه القرآن - زمان و حالات انتقال التركة الی الورثة رؤیة تحليلیة فی فقه النص القرآنی
- مبانی فقهی و حقوقی مالکیت فکری با معنوی
- عدم تنجس آب قلیل به مجرد ملاقات با نجاست
- بررسی حجیت اطمینان
- فقه و صنعت جهانگردی
- تقسیم جهان از دیدگاه اسلام
- لقطه و مجهول المالک (۱)
- لقطه و مجهول المالک (۲)
- تحلیل نظری زکات و بررسی امکان تعمیم دامنه اموال مشمول زکات

عناوین مشابه

- مسائل مستحدثه زکات
- رهیافتی معناشناسانه به مسائل نوپدید فرهنگی از منظر قرآن (مورد مطالعه: مصرف به مثابه زکات)
- چالش‌های بهره‌گیری از عمومات و مطلقات در حل مسائل مستحدثه
- بررسی تطبیقی رویکرد شهید صدر با رویکرد سنتی فقها در موضوع شناسی مسائل مستحدثه
- سخنی تازه پیرامون مسائل مستحدثه
- مسائل مستحدثه در فقه اسلامی: چگونگی نماز و روزه در سفرهای فضائی
- مسائل مستحدثه در فقه اسلامی: تلقیح مصنوعی
- قاعده حجیت انصراف و کارایی آن در مسائل مستحدثه
- حجیت ظن مطلق و کارکرد آن در مسائل مستحدثه از منظر فقه امامیه
- مسائل مستحدثه در فقه اسلامی: منابع مالی حکومت اسلامی

مسائل مستحدثه زکات

در گفتگو با آیات مکرم، آقایان :

سید کاظم حائری، ابوطالب تجلیل، محمدتقی جعفری
ویکی دیگر از اساتید معظم حوزه

نیازمندیهای عمومی که به عنوان موارد

مصرف زکات شناخته شده‌اند نیز در این
قسم می‌گنجد.

ب) راکد نماندن مال در آن گونه از اشیاء
زکاتی که شرط بقای یک سال شده.

□ آیا زکات منحصر در اشیاء نه گانه است
یا آنکه با توجه به فلسفه تشریح آن، در
صورت نیاز جامعه، قابل توسعه به اشیاء
دیگر نیز هست؟

■ هر چند در محدوده فقه اسلامی، زکات
منحصر در اشیاء نه گانه است، اما ولی امر

مصاحبه با آیت الله سید کاظم حائری

□ فلسفه تشریح زکات و اهداف آن را با

توجه به آیات و روایات بیان فرمایید؟

■ فلسفه تشریح زکات به میزان فهم ناقص

بشر دو چیز است :

الف) رفع نیاز فقرا که در بسیاری از

آیات و روایات بدان تصریح شده است

-مراجعه شود به وسائل الشیعه، کتاب

الزکاة، باب اول از ابواب ما تجب فیه

الزکاة - علاوه بر این، تأمین دیگر

حقوق دارد در صورت نیاز جامعه، آن را به اشیاء دیگر نیز توسعه دهد. چنانکه در روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام آمده است که بر بعضی از اقسام اسب، زکات وضع کرد. مراجعه شود به وسائل، کتاب الزکاة، باب ۱۶ از ابواب ما تجب فيه الزکاة.

□ آیا حاکم اسلامی می تواند غیر از خمس و زکات، تکلیف مالی دیگری مانند مالیات را بر مردم مقرر سازد؟

■ آری، در صورتی که تشخیص دهد مصلحت در این کار است، می تواند و شاهد این مدعا، اطلاق دلیل ولایت فقیه است.

□ آیا در حکومت اسلامی پرداخت کننده مالیات می تواند آن را به عنوان زکات محسوب کند؟

■ مالیات را به جای زکات حساب کردن، متوقف بر اذن ولی فقیه است.

□ آیا زکات نقدین (درهم و دینار) شامل دیگر اوراق نقدی (پول امروزی) نیز می شود؟ به بیان دیگر آیا در زکات درهم و دینار، طلا و نقره بودن آنها جزء موضوع است یا آنکه تمام الموضوع، جنبه پولی و

ارزش مبادله ای آنهاست خواه از جنس طلا و نقره باشند یا چیز دیگر؟

■ ولی فقیه می تواند زکات را به اوراق نقدی، گسترش دهد.

□ در صورتی که مطلق پول متعلق زکات باشد، نصاب آن چگونه تعیین خواهد شد، نصاب درهم ملاک است یا نصاب دینار یا...؟

■ در صورتی که ولی فقیه پول را متعلق زکات قرار دهد، نصاب آن را نیز خود مشخص خواهد کرد.

□ آیا زکات، تنها به «عین» تعلق می گیرد یا آنکه شامل «دین» نیز می شود و در صورت تعلق به دین، بر عهده چه کسی است، وام دهنده یا وام گیرنده؟

■ زکات به عین تعلق می گیرد به ذمه؛ اما ممکن است آن عین، دین باشد؛ یعنی از راه قرض به دست آمده باشد و در این صورت، زکات بر عهده وام گیرنده است نه وام دهنده.

□ آیا میان دین مؤجل و دین حالی که وام دهنده قدرت برگرفتن آن را دارد ولی به خاطر فرار از زکات، آن را مطالبه نمی کند، تفاوتی وجود دارد؟

■ تفاوتی میان این دو نیست، این مسأله را در کتاب «الزکاة» خود مفصلاً بحث کردیم.

□ پولهایی که به صورت قرض الحسنه یا سپرده یا جاری، در بانک گذاشته می شود، آیا عنوان دین بر آنها صادق است یا عنوان ودیعه؟ در هر صورت حکم زکات آنها چیست؟

■ عنوان دین بر آنها صادق است و در صورت رکود مال اگر زکات را بر همه اقسام اموال نقدی واجب بدانیم یا ولی فقیه آن را واجب کند، زکات این گونه دین ها بر دائن است نه بر مدیون و در صورت عدم رکود مال، مسأله به زکات مال التجاره مربوط می شود.

□ به نظر حضرتعالی، حکم زکات مال التجاره چیست؟

■ زکات مال التجاره به خودی خود مستحب است و بحث مفصل آن را در کتاب «الزکاة» نوشته ایم، اما ولی فقیه می تواند در صورت مصلحت، آن را واجب کند.

□ زکات گرفتنی است یا دادنی؟ به بیان

دیگر در حکومت اسلامی که دولت قدرت بر مطالبه زکات و دریافت آن از زکات دهندگان را دارد، آیا می تواند زکات را مطالبه کند و در صورت ممانعت زکات دهندگان، به زور آن را از ایشان بگیرد یا آنکه پرداخت زکات تکلیف شرعی زکات دهنده است، اگر نپردازد گناه کرده است و کسی حق مطالبه آن را از او ندارد؟

■ هم گرفتنی است و هم دادنی، یعنی پرداخت زکات تکلیف شرعی زکات دهنده است و واجب است آن را انجام دهد، چه دولت مطالبه کند و چه نکند. از طرف دیگر دولت - و به عبارت دقیق تر ولی فقیه - حق مطالبه دارد و در صورت ممانعت زکات دهنده، می تواند آن را به زور بگیرد.

مصاحبه با

آیت الله ابوطالب تجلیل

□ فلسفه تشریح زکات و اهداف آن را با

توجه به آیات و روایات بیان فرمائید؟

■ آنچه از آیات و روایات استفاده می شود این است که زکات حقی است که شارع مقدس برای فقرا قرار داده، خدا که خالق و مالک انسان هاست می تواند حقی را برای

برخی از انسان‌ها بر عهده برخی انسان‌های دیگر جعل کند. ناگفته نماند عقل ماکه احاطه بر مصالح و مفاسد نامتناهی ندارد نمی‌تواند فلسفه کامل افعال و احکام خدا را که بر مصالح و مفاسد نامتناهی احاطه دارد، درک کند.

محسوب کند؟
 ■ در زمان امام راحل ره کسی توسط حقیر از آن بزرگوار استفتاء نموده بود که اجازه فرماید مالیات خود را بابت وجوهات حساب کند، معظم له قبول فرمودند.

□ آیا زکات منحصر در اشیاء نه‌گانه است؟ یا آنکه با توجه به فلسفه تشریح آن، در صورت نیاز جامعه قابل توسعه به اشیاء دیگر نیز هست؟

□ آیا زکات نقدین شامل دیگر اوراق نقدیه (پول) نیز می‌شود؟ به بیان دیگر آیا در زکات درهم و دینار، طلا و نقره بودن جزء موضوع است یا آنکه تمام الموضوع جنبه پولی و ارزش مبادله‌ای آنهاست خواه از جنس طلا و نقره باشد یا چیز دیگر؟ در صورتی که مطلق پول، متعلق زکات باشد نصاب آن چگونه خواهد شد، نصاب درهم ملاک است یا نصاب دینار و یا ... ؟

■ اگر حاکم در زکات توسعه دهد و چیزی بر آن اضافه کند زاید بر حق شرعی فقر است که بر ذمه دیگران است.

■ متعلق زکات شرعاً نه چیز است که دوتای آنها درهم و دینار است یعنی پول‌های طلا و نقره، شامل پول‌های فلزی دیگر حتی پول‌های فلزی که غیر طلا و نقره که در زمان‌های قدیم بوده و در زبان عربی فلس گفته می‌شد نمی‌شود.

□ آیا حاکم اسلامی می‌تواند غیر از خمس و زکات، تکلیف مالی دیگری مانند مالیات را بر مردم مقّرر سازد؟

□ آیا زکات تنها به عین تعلق می‌گیرد یا آنکه شامل دین نیز می‌شود؟ در صورت تعلق به دین بر عهده چه کسی است وام

■ امروزه که منابع سرشار ثروت نفت در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد، واجب مالی دیگری غیر از آنچه شرع قرار داده ضرورت ندارد.

□ آیا در حکومت اسلامی، پرداخت کننده مالیات می‌تواند آن را به عنوان زکات

دهنده یا وام‌گیرنده؟

■ زکات در همهٔ اشیاء نه گانه به عین تعلق می‌گیرد، حتی فقها تصریح کرده‌اند اگر عین درهم یا دیناری را که دارد با مثل آن معاوضه کند، زکات به آن تعلق نمی‌گیرد، بلکه باید یازده ماه تمام عین همان درهم یا دینار در ملک او باقی بماند و داخل ماه دوازدهم شود تا زکات به آن تعلق بگیرد.

□ به نظر حضرت‌عالی آیا زکات مال‌التجاره واجب است یا مستحب؟

■ وجوب زکات در مال‌التجاره فتوای فقهای اهل سنت است، و اما مشهور میان فقهای امامیه استحباب آن است، مقتضای استنباط فقهی هم از نظر روایات استحباب است.

□ آیا زکات‌گرفتنی است یا دادنی؟ به بیان دیگر در حکومت اسلامی که دولت قدرت بر مطالبه زکات و دریافت آن از زکات دهندگان را دارد، آیا می‌تواند زکات را مطالبه کند و در صورت ممانعت زکات دهندگان، با زور از ایشان بگیرد؟ یا آنکه پرداخت زکات تکلیف شرعی زکات دهنده است اگر نپردازد گناه کرده است و

کسی حق مطالبه آن را از او ندارد؟

■ نصب عامل برای گرفتن زکات در زمان خلفا معمول بوده ولی طبق آنچه در نهج‌البلاغه از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، اگر کسی اظهار کند که زکات به مال من تعلق نگرفته، عامل باید بپذیرد و حق گرفتن آن را به اجبار ندارد، امیرالمؤمنین علیه السلام به عامل چنین دستور می‌دهد: «تقول: أرسلي إليكم ولن الله وخليفته لاخذ منكم حق الله في أموالكم فهل لله في أموالكم حقاً تؤدوه إلي وليه؟ فإن قال قائل: لا، فلا تراجع» بگو به آنها: مرا ولی خدا و خلیفه او فرستاده است که حق خدا را که به اموالتان تعلق گرفته بگیرم، آیا در اموال شما حقی هست که به ولی او دهید؟ اگر کسی بگوید: نه، دیگر به او مراجعه نکن.

مصاحبه با

یکی از اساتید معظم حوزه^۱

□ فلسفه تشریح زکات و اهداف آن را با توجه به آیات و روایات بیان فرمائید؟

۱. بنابه تقاضای خود استاد از ذکر نام ایشان خودداری شد.

■ فلسفه تشریح زکات رسیدگی به فقراء و مستمندان است. در روایات آمده خداوند قوت فقرا را در اموال اغنیاء قرار داده است. از یک طرف با زکات، فقر و نداری فقرا بر طرف می‌گردد و از سوی دیگر، عبودیت و بسندگی اغنیاء و ثروتمندان امتحان می‌شوند. در این زمینه آیات و روایاتی وجود دارد که اهداف تشریح زکات را بیان کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

قال أبو عبدالله علیه السلام: «لَمَّا نَزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ. ... أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تَقْبَلْ صَلَاتِكُمْ». امام صادق علیه السلام فرمود: چون آیه زکات در ماه رمضان نازل شد «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ» پیامبر صلی الله علیه و آله به منادی خود فرمان داد که به مردم اعلام کند که خداوند تبارک و تعالی همان گونه که نماز را بر شما واجب کرده بود، اینک زکات را نیز بر شما واجب کرد ... ای مسلمانان، زکات اموال خود را بپردازید تا نماز شما پذیرفته شود.»

عن أبي عبدالله علیه السلام قال: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ

وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعَمُهُمْ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسْعَمُهُمْ لِزَادَهُمْ أَنَّهُمْ لَمْ يُوْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَكِنْ أُوتُوا مِنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَوْا حَقَّوْتَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ»^۱. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند سهمی برای فقرا در اموال ثروتمندان قرار داده است که نیاز آنها را بر طرف می‌کند و اگر خداوند می‌دانست که این مقدار کافی نیست، سهم فقرا را افزایش می‌داد. اگر کمبودی در زندگی فقرا هست مربوط به مقدار زکاتی که خداوند مقرر کرده نیست بلکه ناشی از آن است که ثروتمندان، حق ایشان را نمی‌پردازند و اگر مردم حقوق فقرا را بپردازند، ایشان زندگی خوبی خواهند داشت.

مبارك العقرفوفى عن ابى الحسن موسى بن جعفر علیه السلام قال: «إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَتَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ»^۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده: «زکات وضع شده است تا مایه زندگی فقرا و برکت مال ثروتمندان باشد.»

۱. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۳.
 ۲. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۴ و ۵.

در روایت معتبر از امام صادق علیه السلام آمده است « إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةَ اخْتِيَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَذَوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا، وَلَا اسْتَفْنَى لِمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ وَأَنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا احْتَاجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرَوْا إِلَّا بِذُنُوبِ الْاَغْنِيَاءِ وَحَقِيقَ عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مِمَّنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ وَأَقْسَمَ بِالَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ وَيَسُطُّ الرِّزْقَ إِنَّهُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا فِي بَحْرٍ إِلَّا بَتَرِكَ الزَّكَاةِ، وَأَسْخَى النَّاسَ مِنْ أَدَى الزَّكَاةِ لَهُ وَلَمْ يَبْخُلْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ فِي مَالِهِ. »

زکات برای امتحان کردن ثروتمندان و یاری رساندن به فقرا وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را پردازند، هیچ مسلمان فقیری یافت نمی‌شد و با حقی که خداوند برای او قرارداد، بی‌نیاز می‌شد. همانا مردم فقیر و محتاج و گرسنه و عریان نمی‌شوند مگر به واسطه گناهان ثروتمندان. خداوند تبارک و تعالی حق دارد که رحمت خویش را از کسی که حق خدا را در مال خود نمی‌پردازد، منع کند. سوگند می‌خورم به کسی که خلق را آفرید و روزی را گستراند که هیچ مالی در خشکی یا دریا ضایع نمی‌شود مگر به واسطه ترک زکات ... بخشنده‌ترین

مردم کسی است که زکات مال خود را پردازد و بر مؤمنان بخل نرزد. ^۱

□ آیا زکات منحصر در اشیاء نه‌گانه است یا با توجه به فلسفه تشریح آن در صورت نیاز جامعه قابل توسعه به اشیاء دیگر نیز هست؟

■ همانطور که می‌دانید مشهور فقهاء بر این عقیده‌اند که زکات منحصر در اشیاء نه‌گانه است، اما برخی از فقهای امامیه نیز بر این باورند که با توجه به فلسفه تشریح زکات، و با توجه به هدف اصلی از این واجب الهی، زکات منحصر در اشیاء نه‌گانه و بستگی به نیاز و عدم نیاز جامعه اسلامی و موارد مصرف در نظام اسلامی دارد. یعنی در صورت نیاز جامعه و موارد مصرف و پاسخگو نبودن مواد نه‌گانه، قابل توسعه به اشیاء دیگر نیز هست و رفع و وضع آن در عصر غیبت، به دست با کفایت ولی امر مسلمین است. یعنی ولی امر مسلمین با تشخیص نیاز جامعه اسلامی می‌تواند در صورت نیاز، زکات را به اشیاء دیگر نیز توسعه دهد و این مطلب از روایات هم

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴ و ۵.

استفاده می‌شود: در روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران خلافت خویش زکات را بر اسب هم قرار داد.

از این قبیل روایات نیز در جوامع روایی ما وجود دارد و عده‌ای از فقهاء بر اساس همین روایات، انحصار زکات به امور نه‌گانه را منکر شده‌اند و در صورت نیاز جامعه، به توسعه آن به اشیاء دیگر فتوی داده‌اند.

□ آیا حاکم اسلامی می‌تواند غیر از خمس و زکات، تکلیف مالی دیگری مانند مالیات را بر مردم مقرر سازد؟

■ بلی، حاکم اسلامی می‌تواند غیر از خمس و زکاة، واجب مالی دیگری مانند مالیات را بر مردم مقرر سازد. دلیل این مطلب روایاتی است که مرحوم کلینی در کافی آورده: وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند به صاحبان گنج می‌فرماید: گنجهای و اشیاء گرانبها و پولها را بیاورید تا در راه جنگ مصرف کنیم. محققان در این زمینه می‌توانند به این روایات و همچنین به منابع تفسیری ذیل آیه کنز: «کنزتم لأنفسکم» مراجعه کنند و این مسأله را مورد بررسی و پژوهش قرار دهند. مفسران در ذیل این آیه مسأله مذکور را مورد نقد و بررسی قرار

داده‌اند.

اساساً در حکومت اسلامی برای تثبیت نظم و نظام ملی و عدالت اجتماعی و از بین بردن کاستیها و خلأهای جامعه اسلامی، حاکم اسلامی می‌تواند، هرچه را که به مصلحت نظام دید، به عنوان منابع مالی حکومت اسلامی افزون بر خمس و زکات دریافت کند. این مهم بستگی به شرایط زمانی و مکانی و اوضاع و احوال و شرایط جامعه اسلامی و تشخیص ولی‌امر مسلمین دارد.

□ آیا در حکومت اسلامی، پرداخت کننده مالیات می‌تواند آن را به عنوان زکات محسوب کند؟

■ خیر، در حکومت اسلامی پرداخت کننده مالیات نمی‌تواند آن را به عنوان زکات محسوب کند مگر با اجازه ولی امر مسلمین؛ زیرا این مسایل در اختیار ولی امر مسلمین است و مقدار و میزان توسعه و تضییق آن بستگی به نظر ایشان دارد. اگر ولی امر مسلمین پذیرفت فهو المطلوب و إلا کسی نمی‌تواند مالیات را بجای زکات حساب کند و در صورتی که از پیش خویش چنین محاسبه‌ای بکند بربی‌الذمه نمی‌شود.

□ آیا زکات نقدین شامل دیگر اوراق نقدیه (پول) نیز می‌شود؟ به بیان دیگر آیا در زکات درهم و دینار، طلا و نقره بودن جزء موضوع است یا آنکه تمام موضوع جنبه پولی و ارزش مبادله‌ای آنها است خواه طلا و نقره باشد یا چیز دیگر؟

■ در پاسخ به این مسأله، مبانی فقهای امامیه متفاوت است آنها که معتقدند زکات بر اساس پاره‌ای از روایات صرفاً به مواد نه گانه تعلق می‌گیرد، زکات نقدین را شامل دیگر اوراق نقدیه (پول) نمی‌دانند و مدعی هستند که زکات به طلا و نقره مسکوک تعلق دارد. نه به ارزش مبادله‌ای آنها. اما کسانی که معتقدند وجوب زکات انحصار به اشیاء نه گانه ندارد، اوراق نقدیه (پول) را هم مشمول زکات می‌دانند و می‌گویند: درهم و دینار موضوعیتی برای وجوب زکات ندارد و ملاک وجوب زکات نقدین جنبه پولی و ارزش مبادله‌ای آنهاست خواه طلا و نقره باشد یا اسکناس و مانند آن و هر دو دسته برای اثبات مدعی خورش به روایاتی که در جلد ۶ وسایل الشیعه آمده است تمسک می‌کنند.

به نظر می‌رسد در صورت نیاز جامعه اسلامی و تشخیص حاکم اسلامی، زکات

نقدین شامل اوراق نقدی امروزی نیز می‌شود. در میان فقهای معاصر و مراجع تقلید نیز دو نفر معتقدند زکات به مطلق مال التجاره تعلق می‌گیرد.

□ در صورتی که مطلق پول متعلق زکات باشد نصاب آن چگونه تعیین خواهد شد نصاب درهم ملاک است یا نصاب دینار و یا ... ؟

■ آنها که مطلق پول را متعلق زکات می‌دانند گویا بر اساس عُشر بر حساب می‌کنند و نظر به اینکه این مسأله مبنايي است، کیفیت احتساب نصاب آن بستگی به نظر صاحب مبنا دارد.

□ آیا زکات، تنها به عین تعلق می‌گیرد یا آنکه شامل دین نیز می‌شود در صورت تعلق به دین بر عهده چه کسی است؟ وام دهنده یا وام گیرنده؟

■ نظر به اینکه دین هم عین موجود است، ممکن است فقهی بگوید: به دین هم زکات تعلق می‌گیرد و اینکه در صورت تعلق به دین بر عهده چه کسی است بستگی به نظر صاحب مبنا دارد، ممکن است برخی بر عهده وام دهنده بدانند و برخی بر عهده وام گیرنده.

□ پولهایی که به صورت قرض الحسنه یا سپرده یا جاری در بانک گذاشته می شود آیا عنوان دین بر آنها صادق است یا ودیعه؟ در هر صورت حکم زکات آنها چیست؟

■ به نظر می رسد ودیعه باشد و زکاتش بستگی به نظر صاحب مینا و یا ولی امر مسلمین دارد. هرگونه که مصلحت تشخیص داد حکم زکات آن را اعلام می کند.

□ به نظر شما حکم زکات مال التجاره چیست؟

■ مشهور فقهاء زکات مال التجاره را مستحب می دانند. اما همانطور که گفتیم برخی از فقها از جمله دو نفر از مراجع فعلی، قائل به وجوب زکات مال التجاره هستند. بی تردید در صورت نیاز جامعه اسلامی و اعلام ولی امر مسلمین، زکات مال التجاره واجب می گردد. دلیل این مدعی برخی از روایاتی است که در وسایل الشیعه، ج ۶ آمده و وضع و رفع زکات را به دست حاکم اسلامی و ولی امر مسلمین سپرده است.

□ زکات گرفتنی است یا دادنی؟ به بیان دیگر اگر کسانی از پرداخت زکات امتناع

کنند آیا دولت اسلامی می تواند زکات را به زور از آنان بگیرد و در این صورت تکلیف نیت چه خواهد شد؟

■ زکات دادنی است در صورتی که مردم به وظیفه شرعی خویش عمل کنند و بدهند، و در صورتی که مردم از پرداخت آن سرباز زنند، گرفتنی است و حکومت اسلامی قدرت بر مطالبه زکات و دریافت آن را از زکات دهندگان دارد بنابراین در صورت ممانعت، حاکم اسلامی با زور می تواند زکات را بگیرد و در این صورت ولی امر مسلمین، نیت می کند به علاوه فقهاء نیت را در زکات لازم نمی دانند.

در کتاب مکاتیب الرسول، به تفصیل توضیح داده ام که رسول خدا ﷺ با استفاده از اصول مدیریت و برنامه ریزی، تشکیلات وسیعی در بخشهای مختلف مالی و نظامی، فرهنگی و اجتماعی ... داشتند، حضرت دیوانهای متعدد داشت دیوان الجیش، دیوان الزکاة، دیوان الخمس، در دیوان الزکاة نام افرادی که زکات دهنده بودند یا زکات به اموال آنها تعلق می گرفت ثبت می شد، چون هنگام برداشت انگور و خرما و گندم و جو فرا می رسید حضرت مأمور می فرستادند،

مأموران رسول خدا ﷺ زکات مردم را تخمین می‌زدند و بر اساس تخمین دریافت می‌کردند بطوری که در مقابل تخمین مأموران، کسی دیگر حرف نمی‌زد و زکات را پرداخت می‌کرد.

مصاحبه با آیت الله محمد تقی جعفری

□ با تشکر از اینکه دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید، معنای لغوی و اصطلاحی

زکات و نیز اهمیت آن را بیان بفرمایید؟

■ زکات در لغت به معنای پاکی و طهارت و پاک شدن است و به معنای افزون شدن و رشد و نمو نیز به کار رفته است. زمخشری در کتاب مقدمه الادب می‌گوید: «زکاة: آن باشد که بر آئین دین مسلمانی ستانند.»

و از نظر اصطلاحی، زکات به نه چیز یا بیشتر با شرایطی که براساس مبانی فقهاء مطرح است تعلق می‌گیرد، گرچه مشهور فقهاء بر این باورند که زکات تنها به نه چیز معین یعنی گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند تعلق می‌گیرد و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد در صورتی که مال به مقدار نصاب

برسد و مالک آن بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن تصرف کند، باید مقداری را که معین شده، به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برساند، اما ما معتقدیم که انحصار اخراج زکات به مواد نه‌گانه به عنوان حکم حکومتی بوده است و قوانین و موازین فقهی و مدارک و منابع معتبر روایی حکایتگر این معناست که زکات می‌تواند از این ۹ ماده تجاوز کرده و مواد عام المنفعه روز و مال التجاره را هم در برگیرد.

اهمیت زکات از دیدگاه اسلام و آیات قرآن و روایات ائمه علیهم السلام پرداخت زکات یکی از اصول ضروری اسلام به شمار می‌آید و اگر کسی بتواند با نماز گزاردن خود بر جامعه منتی بگذارد، با پرداخت زکات هم می‌تواند بر مردم منتی داشته باشد. اموال انسان و ثروت بشر از دیدگاه دین اسلام هنگامی پاک و از نظر معنوی با ارزش و دارای برکت و رشد و نمو است که زکات آن پرداخته شود و با شرایط لازم در مصارفی که مشخص می‌گردد، به کار رود.

□ جناب استاد با توجه به اینکه ما معتقدیم تمامی احکام اسلام براساس

مصالح و مفاصد نفس الامری جعل شده است به نظر شما عالی‌ترین اصل انسانی - حقوقی از دیدگاه اسلام چیست و این اصل اساسی را چگونه با مسأله زکات منطبق می‌کنید؟

■ شما به یک‌اصل بسیار جالب در مکتب اسلام اشاره کردید که به نظر ما نیز می‌توان آن را به عنوان عالی‌ترین اصل انسانی - حقوقی معرفی کرده آن اصل چنین است:

«تا می‌توانید اول انسان را آماده

بسازید، سپس او را در مجرای دستورات

حقوقی و مسؤولیت‌ها و کیفی‌ها قرار

دهید.» مقصود از این مطلب این است که

بایستی طوری به تعلیم و تربیت افراد

و آماده ساختن انسان برای پذیرش حقوق

اهمیت دهیم که افراد بتوانند قوانین

اجتماعی را با قطب نمای وجدان دریابند.

به عنوان نمونه: رهبران جامعه در مرحله

اول بایستی وقاحت و زشتی آدم‌کشی

و بزهکاری و خلافکاری را توضیح بدهند

و در روح و روان افراد، تنفر و انزجار از آدم

کشی و بزه‌کاری و خلافکاری را برانگیزند

و ارزشهای انسانی و فضائل آدمی را اثبات

کرده و چنان برای افراد روشن کنند که به

سهولت بتوان از قوانین مانند «قتل نفس

ممنوع است» و «کیفر قتل نفس چنین

و چنان است»، بهره‌برداری کرد. مدرک

قاطع این اصل چند مطلب مسلم است:

۱. نتیجه حقوق اسلامی و اجرای آن

فقط در امکان همزیستی و رفع مزاحمت

افراد از همدیگر منحصر نیست به همین

جهت است که حقوق مربوط به همزیستی،

رشته معینی از فقه اسلامی است که شامل

تمام مقررات فردی و اجتماعی اسلامی

می‌شود.

۲. فقه اسلامی مجموعه دستوراتی

است که می‌تواند افراد انسانی را، خواه

منفرداً و خواه در گروه اجتماعی برای

بهره‌برداری از شخصیت انسانی که تا بارگاه

ربوبی کشیده شده است، آماده کند.

۳. دستورات فردی مانند نماز و روزه

که نتیجه آن اجتناب از فحشاء و منکرات (از

هر نوع که بوده باشد)، شخص مسلمان را

تربیت می‌کند و برای پذیرش حقوق دیگران

آماده می‌سازد.

۴. اسلام شخصیت انسانی را بطور کلی

نقطه تابش شعاع خداوندی معرفی کرده

است.

۵. برای اینکه مطالب یادشده برای

انسان قابل درک شود، ارشاد و تعلیم را بر

افراد لازم دانسته تا آنجا که خداوند می‌فرماید: *وَمِنْ أَحْيَاهَا فَكَأْتُمَا أَحْيَا النَّاسِ جَمِيعًا*؛ هر کس نفسی را احیاء کند گویی تمام مردم را احیاء کرده است.

در روایات معتبر در تفسیر این آیه آمده است که تعلیم و تربیت یک انسان هم احیاء و زنده کردن اوست.

۶. از طرف دیگر، چون مقررات اسلام به عنوان «حدود الله» معرفی شده است و هر کس از آنها تمرد کند، تعدی به «حدود الله» کرده است. برای اجتناب از مخالفت با «حدود الله» و اطاعت آنها، لازم است به منظور آشنا شدن افراد با این حدود الهی به تعلیم و تربیت افراد پرداخته شود. به همان اندازه که یک فرد نتواند تحت تعلیم و تربیت اسلام و معارف دینی قرار گیرد، کیفر از او ساقط خواهد گشت.

بنابر این ضروری‌ترین تکلیف مدیران جامعه اسلامی، آماده سازی افراد برای پذیرش وجدانی حقوق اسلامی است و خداوند با ارسال رسل و انزال کتب آسمانی می‌خواهد، وجدان‌های خفته و عقلهای محجوب و فطرت خمود انسان را بیدار کند و آنها را در مقابل تکالیف و مسئولیت‌ها، به تسلیم وادارد و این امر

مهم بدون اینکه تکالیف و قوانین اسلام با عقل سلیم انسانی، هماهنگ باشد، امکان پذیر نیست. در مورد زکات هم همین‌طور است، ما صدها آیه و روایت داریم که می‌گوید انفاق کنید، بینوایی و فقر را در ابعاد مختلف از جامعه منتفی بسازید، با اموال و نفوس خود مجاهده کنید و امثال این جملات در حقیقت برای پی ریزی زیربنای قانون، الزامی است.

با این حال اگر افرادی هم پیدا شوند که هوا و هوس آنها به اضرار جامعه منجر گردد، کیفر و مسئولیت الزامی جلوی انحراف آنان از قانون را خواهد گرفت و به همین جهت بود که در صدر اسلام می‌بینیم افراد فراوانی که از روی شهوات و هوا و هوس نفسانی مرتکب جرم می‌شدند خودشان می‌آمدند پیش مقام‌های صلاحیتدار به جرم خویش اعتراف و طلب کیفر می‌کردند. از آنچه که گفتیم به خوبی روشن شد که پرداخت زکات، وظیفه‌ای اجتماعی است نه وسیله‌گداپرووری.

اگر بخواهیم احکام اسلامی و قوانین حقوقی اسلام و منابع مالی اسلام مانند خمس و زکات و مالیات به موقع پرداخت شود، باید هماهنگی قوانین اسلام با عقل

سلیم را تبیین و افراد جامع را برای پذیرش آنها آماده سازیم و وجدانهای انسانها را جهت نظارت بر بایستگیها و نایستگیهای مقزّه بیدار کنیم و تکامل شخصیت آدمی را در احساس مسئولیت و عمل به قوانین اسلامی بدانیم و برای مردم این مطالب را روشن سازیم.

□ فلسفه تشریح زکات چیست؟

■ فلسفه تشریح زکات در آیات و روایات بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: در خبر زراره و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام آمده است: عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعُهُمْ وَلَوْ عِلْمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لِزَادَهُمْ وَإِنَّمَا يُؤْتِي الْفُقَرَاءَ فِيمَا يُؤْتُوا مِنْ مَنَعٍ مِنْ مَنَعِهِمْ حَقُّوهُمْ لَا مِنَ الْفَرِيضَةِ؛ «خداوند در اموال اغنیاء برای فقرا حقی معین فرموده است که برای آنان کافی است. اگر کافی نبود خداوند آن حق را اضافه می‌کرد. سپس بینوایی فقیران مربوط به حکم خدایی نیست. بلکه از اینجاست که اغنیاء آنان را از حق خود محروم کرده‌اند. اگر مردم حقوق واجب را ادا می‌کردند فقیران به زندگی در خوری

می‌رسیدند.»^۱

در روایت مبارک عترقوفی از امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است: إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَتَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ؛ زکات برای گذران زندگی فقرا و فراوان شدن اموال ثروتمندان، وضع شده است.^۲

مؤکد بر فرموده امام، این آیه شریفه است که می‌فرماید: مَثَلُ الَّذِينَ يَسْتَفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۳؛ «کار آنان که ثروت خود را در راه خداوند می‌دهند مانند دانه‌ای است که هفت خوشه می‌رویاند که باز در هر خوشه صد دانه است. خدا برای آنان که بخواهد چندین برابر می‌کند. خداوند وسعت بخش و داناست.»

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةَ اخْتِبَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا

۱. وسایل الشیعه، ج ۶، کتاب الزکاة، ص ۳.

۲. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۴.

۳. بقره، ۲۶۱.

ولاستغنی بما فرض الله له؛ «زکات برای آزمودن توانگران و کمک به نیازمندان وضع شده است اگر مردم زکات مال خود را می‌پرداختند یک مسلمان بینوا باقی نمی‌ماند و همه بینوایان با همین حقی که خداوند واجب کرده است بی‌نیاز می‌گشتند. مردم بینوا نمی‌شوند و نیازمند و گرسنه نمی‌گردند مگر به جهت تقصیر اغنیاء.^۱»

امام صادق علیه السلام در این حدیث، زکات را نوعی امتحان الهی دانسته که به وسیله آن، انسان‌های مؤمن و متقی که بر فرموده خداوند عمل می‌کنند از غیر آنها مشخص می‌شوند.

روایت کرده‌اند که امام صادق علیه السلام فرموده: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِيهِمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَزَادَهُمْ وَأَتَمَّا يُؤْتُونَ مِنْ مَنَعٍ مِنْ مَنَعِهِمْ؛** خداوند در ثروت اغنیاء برای فقیران و مستمندان به اندازه کفایت حق قرار داده است اگر می‌دانست برای زندگانی آنان بش نیست، بیشتر وضع می‌کرد.^۲

□ آیا زکات منحصر به مواد نه‌گانه است؟

■ گرچه مشهور فقهاء معتقدند که زکات به مواد نه‌گانه منحصر است اما به نظر ما زکات

انحصار به مواد نه‌گانه ندارد. و بر طبق بعضی روایات موارد دیگری به خصوص از حبوبات و برنج بر موارد نه‌گانه اضافه شده است که این موارد باید تحت شرایط معینی اخراج و پرداخت شود و مقادیر معینی از آنها به مصرف زکات برسد. بر عدم انحصار زکات به موارد نه‌گانه، دلایلی وجود دارد که بیان می‌کنیم: مهمترین دلیل ما بر این مدعا، روایات صریح و منصوص العلة در فلسفه تشریح و وجوب زکات است که از آن روایات استفاده می‌شود معیار و ملاک وجوب زکات، فقر زدائی از جامعه اسلامی است و تا این نیاز در جامعه وجود داشته باشد وجوب زکات قابل توسعه به اشیاء دیگر خواهد بود.

□ لطفاً اگر ممکن است درباره دلایل عدم انحصار زکات در اشیاء نه‌گانه توضیحاتی بفرمائید؟

■ دلایل متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

دلیل اول: حدود بیست آیه در قرآن

۱. وسایل الشیعه، کتاب الزکاة، ص ۴.

۲. وسایل الشیعه، ج ۶، کتاب زکاة، ص ۶.

وجود دارد که کمیت و کیفیت زکات در این آیات معین نگردیده است مانند: آتوا الزکاة، ویؤتون الزکاة و ... مثلاً در هشت جا در مورد کلمه « صدقه » که به زکات تفسیر شده هیچ‌گونه مقدار و خصوصیتی ذکر نشده مانند: آیه خذ من اموالهم صدقة تطهرهم وتزکيهم بها از این آیات این‌گونه برداشت می‌شود که پرداخت مال به عنوان زکات مانند خواندن دو رکعت نماز صبح (تعینی) نیست، بلکه هدف از بین بردن احتیاجات است.

دلیل دوم: در سیزده روایت (در کتاب وسایل الشیعه کتاب زکات) پس از بیان نه شیء که زکات به آنها تعلق می‌گیرد آمده است: «وعفی رسول الله ﷺ عما سوى ذلك»؛ یعنی پیامبر خدا و جوب اخراج زکات را از غیر موارد نه‌گانه، عفو فرموده است. روایاتی که این جمله در آنها آمده همه بر این موضوع دلالت دارد که تعین مواد نه‌گانه در زمان پیغمبر اکرم ﷺ فقط به عنوان صلاح‌دید و اعمال رویه حکومت وقت بوده است و با شرایط اقلیمی و زمانی سنجیده شده است نه اینکه حکم ابدی خدا باشد. موضوع عفو که بدان اشاره شد، در کتاب الخراج (ص ۷۷) نیز آمده است. علفی

که در وجوب زکات ذکر شده تنظیم و تأمین معاش خانواده یا افرادی از جامعه است که نمی‌توانند کار کنند یا کارشان برای اداره زندگیشان کافی نیست و همچنین برای دیگر مصارف اجتماعی از قبیل انتظامات و ... باید از این منبع استفاده شود. اکنون در روزگار ما این مواد نه‌گانه برای تأمین معاش مستمندان و سامان دادن به امور اجتماعی کافی نیست. بنابراین نمی‌توان دست روی دست گذاشت و منتظر آن شد که اعجازی صورت گیرد تا امور زندگانی آنان و همچنین مصارف اجتماعی تأمین شود. در اینجا به دو سه مورد از روایات زکات اشاره می‌کنیم:

۱. محمد بن علی بن الحسین باسناده عن الحسن بن محبوب، عن عبدالله بن سنان، قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: لما نزلت آية الزكاة خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكهم بها» فی شهر رمضان فامر رسول الله ﷺ منادیه فنادی فی الناس: إن الله تبارك و تعالی قد فرض علیكم الزكاة كما فرض علیكم الصلاة ففرض الله علیكم من الذهب والفضة والابل والبقر والغنم ومن الحنطة والشعير والتمر والزبيب ونادی فیهم بذلك فی شهر رمضان وعفی لهم عما

سوی ذلك ...^۱ از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که حکم اولیه زکات بر اشیاء نه گانه (طلا و نقره و شتر و گاو و گندم و جو و خرما و کشمش) بوده و لکن حضرت، به حکم ولایی و تشخیص مصلحت جامعه آن روز، از مازاد مواد نه گانه عفو فرموده است نه آنکه بر غیر از اشیاء نه گانه، زکات واجب نباشد. اساساً عفو در جایی معنا دارد که چیزی وجود داشته و لکن آنرا می‌بخشند، اگر زکات بر اشیاء دیگر واجب نبوده باشد دیگر عفو و بخشش معنا ندارد. این نکته نیز صریحاً در روایتی مورد تأکید امام صادق علیه السلام قرار گرفته است: عن ابی عبدالله علیه السلام انه سئل عن الزکاة فقال: وضع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الزکاة علی تسعة وعفی عما سوی ذلك: الحنطة والشعیر والتمر والزبیب والذهب والفضة والبقر والغنم والإبل فقال السائل: والذرة فغضب علیه السلام، ثم قال: كان والله علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم السماسم والذرة والدخن وجميع ذلك فقال: إنهم يقولون إنه لم یکن ذلك علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وإنما وضع علی تسعة لما لم یکن بحضرته غیر ذلك فغضب وقال: کذبوا فهل یكون العفو إلا عن شیء قد کان ولا والله ما اعرف شیئاً علیه

الزکاة غیر هذا، فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر.^۲ در این روایت، امام به سائل می‌گوید: زکات بر اموری غیر از مواد نه گانه هم واجب بوده است لکن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از غیر از مواد نه گانه عفو کرد و زکات را بر امور نه گانه واجب کرد. به علاوه تعبیر «وضع رسول الله الزکاة علی تسعة وعفی عما سوی ذلك» بیانگر این معناست که تعیین اموالی که باید زکات آنها داده شود از امور جعلی و وضعی است و وضع و رفع زکات در اموال در آن زمان به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و در زمان ما به دست حاکم مسلمین است، به علاوه تعبیر «کذبوا فهل یكون العفو إلا عن شیء قد کان» بیانگر این نکته است که زکات بر غیر این امور نیز واجب بوده لکن مورد عفو و بخشش قرار گرفته است.

دلیل سوم: دلیل بسیار روشن بر این مطلب، کاری است که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران زمامداری خود انجام داده‌اند:

عن محمد بن مسلم وزارة عنهما جميعاً قالا: وضع امیر المؤمنین علیه السلام علی

۱. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳.

۲. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳.

الخيل العتاق الراعية في كل فرس في كل يوم دينارين وجعل على البراذين ديناراً؛^۱ از هر دو امام باقر و صادق علیهما السلام نقل شده که فرمودند: امیرالمؤمنین برای اسبهای اصیل عربی در هر سال دو دینار و برای اسبهای غیر اصیل یک دینار، زکات وضع کرد.

با اندک توجّهی به فقه اسلامی و قوانین آن این مطلب روشن است که اگر مقدار مقرر، حتمی و ابدی و غیر قابل تغییر بود مانند (عدد رکعات نمازها)، افزودن ماده دیگری به مواد زکات به وسیله امیر المؤمنین علی علیه السلام برخلاف قانون اسلامی بود. با توجّح به اینکه مفهوم عدد از مفهوم شرط قوی تر است اگر واقعاً زکات، انحصار در موارد نه گانه داشت حضرت امیر علیه السلام نمی توانست بر انواع اسبها، زکات را واجب کند.

دلیل چهارم: یونس بن عبدالرحمن بنا به نقل کلینی، انحصار مواد زکات را در ۹ ماده، مخصوص صدر اسلام دانسته است. و مواد دیگری را که در روایات، ضمیمه مواد نه گانه شده است بر مراحل بعد از صدر اسلام حمل کرده است. یونس می گوید: «چنانکه نماز هم در اوّل بعثت دو رکعت بود پس از آن پیغمبر رکعات بعدی را اضافه

کرد، زکات هم در صدر اسلام به نه ماده تعلق می گرفت.» و این بدان معنا نیست که در صورت نیاز جامعه اسلامی، قابل توسعه با اشیاء دیگر نباشد.^۲

دلیل پنجم: روایتی است از ابو بصیر که می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: آیا برنج زکات دارد؟ فرمود: بلی، سپس فرمود: در آن زمان در مدینه برنج نبود. لذا درباره برنج چیزی گفته نشده است ولی فعلاً برنج کاشته می شود، چگونه برنج زکات ندارد در صورتی که عموم مالیات عراق از برنج است.^۳ نتیجه کلی بررسی موضوع مزبور این است که اگر زکات مواد مزبور نتوانست احتیاجات جامعه را بر طرف کند، ولی امر مسلمین و حاکم جامعه به منزله نایب امام است و می تواند مواد دیگری را مشمول مالیات قرار دهد و تعیین مواد و شرائط، مربوط به نظر او خواهد بود. □ آیا در حکومت اسلامی، پرداخت کننده مالیات می تواند آن را به عنوان زکات

۱. همان، ص ۵۱.

۲. مصباح الفقیه، همدانی، کتاب الزکات، ص ۱۹.

۳. وسایل، ج ۶، ص ۴۱.

محسوب کند؟

■ خیر، با توجه به روایات منصوص العلة و با توجه به فلسفه تشریح زکات و اهداف آن از دیدگاه قرآن و روایات، پرداخت کننده مالیات نمی تواند آنرا به عنوان زکات محسوب کند مگر اینکه ولی امر مسلمین به او اجازه دهد.

□ آیا زکات نقدین شامل اوراق نقدی (پول) هم می شود؟ به بیان دیگر آیا در زکات درهم و دینار، ارزش مبادله ای آنها ملاک است یا ارزش ذاتی آنها؟

■ به نظر می رسد معیار و ملاک اصلی در زکات نقدین، ارزش مبادله ای و جنبه پولی آنهاست و جنس درهم و دینار موضوعیت ندارد. در زمان های گذشته دو فلز طلا و نقره وسیله مبادله کالا و کار و درآمد بود و طلا و نقره هم روی ارزش مبادله ای مورد استفاده قرار می گرفت، الآن اسکناس و اوراق بهادار همان کار را می کند. بنابراین زکات نقدین شامل دیگر اوراق نقدی (پول) نیز می شود و دلیل این مدعا، ملاکی است که از روایات در وجوب زکات درهم و دینار و طلا و نقره استفاده می کنیم و آن ملاک این است که تمام الموضوع جنبه پول بودن و ارزش مبادله ای

آنهاست خواه طلا و نقره باشد یا چیز دیگر مثل اسکناس و اوراق بهادار.

□ در صورتی که مطلق پول متعلق زکات باشد، نصاب آن چگونه تعیین خواهد شد نصاب درهم ملاک است یا نصاب دینار و یا ... ؟

■ به نظر می رسد که ملاک براساس دینار محاسبه شود. بهتر است در پاسخ این سؤال بگوئیم، تعیین نصاب آن به صلاح دید ولی امر مسلمین است.

□ آیا زکات تنها به عین تعلق می گیرد یا آنکه شامل دین نیز می شود؟ در صورت تعلق به دین بر عهده چه کسی است و ام دهنده یا وام گیرنده؟

■ بلی، شامل دین هم می شود. چون دین هم عین موجود است و به همان ملاکی که در فلسفه تشریح زکات و اهداف آن اشاره کردیم، شامل دین هم می شود و در روایات آمده است «زکاة القرض علی المستقرض» زکات وام، بر عهده وام گیرنده است.

□ آیا تفاوتی بین دین مؤجل و دین حالی که وام دهنده قدرت برگرفتن آن را دارد ولی

به خاطر فرار از زکات آن را مطالبه نمی‌کند
وجود دارد؟

■ بلی، تفاوت دارد در دینِ حال چون می‌تواند وام را بگیرد، در تصرّف اوست و امکان تصرّف دارد و زکات بر او واجب می‌گردد. در دینِ مؤجل و مدّت دار هم دوگونه است: یکی اینکه وام دهنده امید به وصول وام دارد و به موقع خود می‌تواند آن را بگیرد، در اینجا زکات واجب است، اما اگر وام به اصطلاح اقتصاد دانان سوخت آنجا دیگر زکات واجب نیست.

□ آیا پولهایی که در بانک‌ها به صورت قرض الحسنه یا سپرده یا حساب جاری گذاشته می‌شود، عنوان دین بر آنها صادق است یا ودیعه؟ و در هر صورت حکم زکات آنها چیست؟

■ عنوان دین صادق است و اگر عنوان ودیعه بر آن صادق باشد نتیجه دین را در مجاری سود و زیان خواهد داشت. در این مسأله سزاوار است پژوهشی در معاملات بانکی جهان صورت گیرد و بعد از بررسی ابعاد آن بینیم با کدام یک از عناوین فقهیه تطبیق می‌کند و شاید موارد در صدق عنوان ودیعه، دین و ... تفاوت کند.

□ به نظر حضرت‌عالی زکات مال التّجاره واجب است یا مستحب؟

■ با توجه به روایات منصوص العله مبنی بر فقر زدایی از جامعه اسلامی در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... می‌توان زکات مال التّجاره را واجب دانست گرچه از برخی روایات چنین استفاده می‌شود که زکات مال التّجاره مستحب است اما به نظر ما، نصّ صریح احادیث در تبیین علت و سبب وجوب زکات، دلالت دارد که زکات مال التّجاره در صورت نیاز جامعه اسلامی و وجود فقر به منظور فقرزدائی، واجب است.

□ آیا حضرت‌عالی زکات مال التّجاره را به حکم اولی واجب می‌دانید یا به حکم ثانوی؟

■ بنده معتقدم به ملاک نیاز جامعه اسلامی، زکات مال التّجاره به حکم اولی واجب است چون روایات صحیح و معتبره منصوص العله در این باره وجود دارد. و حتی از تعبیر «وعفی رسول الله عمّا سوی ذلك» استفاده می‌شود که انحصار زکات به مواد نه‌گانه، حکم ولایی و ثانوی بوده است.

□ آیا زکات گرفتنی است؟ یا دادنی؟ به بیان دیگر در حکومت اسلامی که قدرت بر مطالبه زکات و دریافت آن از زکات دهندگان هست، آیا دولت می‌تواند زکات را از مردم مطالبه کند و در صورت ممانعت، با زور آن را بگیرد یا آنکه پرداخت زکات، تکلیف شرعی زکات دهنده است اگر نپردازد گناه کرده است و کسی حق مطالبه از او ندارد؟

■ می‌توان گفت در موارد و شرایطی زکات گرفتنی است و در موارد و شرایطی دیگر زکات دادنی است، اگر مردم، وظیفه شناس باشند و در تأمین منابع مالی اسلامی مانند زکات اقدام کنند دادنی می‌شود ولی اگر از سر قصور یا تقصیر زکات مال خود را نپردازد حاکم اسلامی می‌تواند زکات را با زور و اجبار از آنان بگیرد. همانطور که ابوبکر زکات را با زور می‌گرفت و حضرت امیر علیه السلام، ممانعت نکرد. و نظر به اینکه در برخی از روایات دارد «وبها يحقن الدماء» اگر کسی وجوب زکات را انکار کند مرتد می‌شود و احکام ارتداد بر او مترتب می‌گردد مگر اینکه انکارش صرفاً به جهت مال دوستی و دنیا پرستی باشد که در اینجا زکات را از او می‌گیرند و حکم ارتداد بر او

بار نمی‌شود. به هر حال در صورت ممانعت از پرداخت زکات، حاکم اسلامی با مأموران حکومت می‌توانند از او مطالبه کنند و حاکم اسلامی یا مأموران حکومت اسلامی از ناحیه او نیت می‌کنند.

□ تعبیر «حق معلوم» در آیه شریفه «فی اموالهم حق للسائل والمحروم» به چه معناست، آیا مراد از آن غیر از زکات است؟ ■ بلی چند دلیل مشخص می‌کند حق معلوم غیر از زکات است از جمله:

۱. سماعة بن مهران، عن أبي عبد الله عليه السلام قال (في حديث): ولكن الله عز وجل فرض في اموال الاغنياء حقوقاً غير الزكاة فقال عز وجل: «والذين في اموالهم حق معلوم للسائل» فالحق المعلوم غير الزكاة وهو شيء يفرضه الرجل على نفسه في ماله يجب عليه أن يفرضه على قدر طاقته وسعة ماله فيؤدى الذى فرض على نفسه إن شاء فى كل يوم وإن شاء فى كل جمعة وإن شاء فى كل شهر؛ حضرت صادق عليه السلام می‌فرماید: خداوند در اموال اغنیاء غیر از زکات حقوقی مقرر فرمود: و

۱. وسایل، ج ۶، ص ۲۸.

می‌گوید: «والذین فی اموالهم حقّ معلوم للسنائل و المحروم» حقّ معلوم غیر از زکات است و آن چیزی است که انسان بر عهده خود مقرر می‌دارد که از مالش بپردازد و واجب است که میزان مالی که می‌خواهد بپردازد، به قدر طاقت و گنجایش مالش باشد. وی باید این مقدار را اگر بخواهد هر روز و اگر بخواهد هر جمعه و یا در هر ماه بپردازد.

۲. عن ابی بصیر قال: کنا عند ابی عبدالله علیه السلام ومعنا بعض اصحاب الاموال فذکروا الزکاة فقال ابو عبدالله علیه السلام: انّ الزکاة لیس یحمد بها صاحبها وانما هو شیء ظاهر ... وانّ علیکم فی اموالکم غیر الزکاة ... اما تسمع الله عزّ وجلّ یقول فی کتابه: والذین فی اموالهم حقّ معلوم للسنائل و المحروم ... هو والله الشیء الذی یعلمه الرجل فی ماله یعطیه فی الیوم او فی الجمعة او فی الشهر قلّ او کثر، غیر انه یدوم علیه^۱؛ ابو بصیر می‌گوید: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم و جمعی از ثروتمندان نیز حضور داشتند. گفتیم: آیا برای ما در اموالمان حقّ دیگری غیر از زکات هست؟ فرمود: سبحان الله، مگر فرموده خدا را نشنیدی «والذین فی اموالهم

حقّ معلوم للسنائل و المحروم» خلاصه با در نظر گرفتن آیه مزبور و روایاتی که بیان شد، سخن کسانی که حقّ معلوم را در آیه به معنای زکات دانسته‌اند نادرست است.

□ لطفاً در پایان نظر خود را پیرامون متوای مجله و کیفیت و کمیت آن بیان فرمایید؟

■ انصافاً مجله فقّه اهل بیت علیهم السلام خوب به میدان آمده و با طرح مسائل جدید فقهی و با توجه با ابعاد گسترده مسائل نوین فقهی و حقوقی راهگشای بسیاری از محققان و پژوهشگران در مسایل فقهی و حقوقی شده است. بنده این مجله را ملاحظه کرده‌ام بحمد الله در دستیابی به اهداف خویش موفق بوده است.

۱. وسایل، ج ۶، ص ۲۸.